



## این پسر من است

روایت زندگی شهیدان مدافع حرم  
رسول جعفری و مهدی جعفری  
ندا رسولی



سرشناسه: رسولی، ندا، ۱۳۶۱-۱۴۰۰. عنوان و نام پدیدآور: این پسر من است: زندگینامه‌ی مستند داستانی شهیدان رسول جعفری و مهدی جعفری / نویسنده: ندا رسولی. مشخصات نشر: قم: خط مقدم، ۱۳۹۹. مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۱۰-۱۰-۲. موضوع: Persian fiction: ۱۲th century -- رده بندی: کنگره: I PIR ۸۳۴۵ / رده بندی دیویی: ۶۲ / ۱۸۴۳ شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۲۱۲۴۹

**این پسر من است | روایت زندگی شهیدان مدافع حرم، رسول جعفری و مهدی جعفری**

نویسنده: ندا رسولی | طراح جلد: سیدحسین موسی زاده

چاپ پنجم: ۱۴۰۴ | شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۱۰-۱۰-۲

قم | بلوار فردوسی | خیابان شهید شاه آبادی | کوچه ۱۰ | پلاک ۷۱ | ۹۱۲۹۳۸۱۳۳۸۷

www.khatemoqadam.com | @khatemoqadam

تمام حقوق اثر برای «خط مقدم» محفوظ است.

چشمم از پنجره قطار به بیابان‌های بین راه تهران - قم بود و فکرم درگیر اینکه حتماً روز سختی خواهد بود! اگر قرار باشد آدم‌هایی را برای اولین بار ببینی و آن اولین بار از عزیزان از دست داده‌شان بپرسی حتماً سخت خواهد بود... این را همان موقع که بهم پیشنهاد نوشتن این کتاب شد هم حس کردم؛ وقتی گفتند پدر و پسر هستند که هر دو و با فاصله تقریباً کوتاهی شهید شده‌اند فکر کردم که صحبت با خانواده‌ای که هم پدر را از دست داده و هم پسر را، احتمالاً کار سختی باشد؛ سخت هم بود البته! این را حین بازگویی خاطرات از نگاه دختر و همسر رسول جعفری می‌شد فهمید ولی همه این‌ها باید کنار گذاشته می‌شد و به جاهای دیگری می‌رسیدم؛ به شناخت شخصیت و شیطنت‌های پسر که از مدل موهای سیخ سیخ و گیتار زدن و توی تونل‌ها با موتور راندن و جیغ کشیدن می‌رسد به آرامشی که وقتی روی صندلی اتوبوس می‌نشیند برای رفتن به سوریه؛ پشت تلفن به خواهرش می‌گوید: «حس می‌کنم باری از روی دوشم دارد برداشته می‌شود و آزادم.» و پدری که وقتی می‌ایستد بالای سربیکر پسرش فقط شکر می‌کند و از غبطه خوردنش به مهدی حرف می‌زند... و این محکم بودن شخصیت پدر!...

فرزندان دیگر حاضر نشدند بنشینند پای گفتگو درباره پدر و برادر؛ لابد به خاطر همان سختی‌ها و یادآوری خاطرات...

بعد از اتمام گفتگو با خانواده باید از هم‌رمزها می‌شنیدم؛ ولی وقتی یک گردان ۱۲۰ نفره در عملیات (بصری‌الحریر) بیشترشان شهید می‌شوند؛ چطور می‌شود به راحتی هم‌رمزی را پیدا کرد که در آن عملیات بوده باشد و مهدی جعفری را بشناسد و اتفاقاً هنگام جنگ پیشش بوده باشد و اتفاقاً نحوه شهادتش را هم دیده باشد؟!... این‌ها مشکلات و سختی‌هایی بود که باعث شد مدتی برای یافتن هم‌رمزها تلاش شود... اما شرح کلی و آنچه از بصری‌الحریر شنیدم آنقدر عجیب و تأثیرگذار بود که می‌توانم بگویم احتمالاً بصری‌الحریر خودش به تنهایی کتابی خواهد شد.